

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۳۰ به سوی توسعه

۳۱ دارایی‌های ملی بیمه ندارند!

۳۲ آمریکا محتاج ایران یا محتاج روسیه؟



بررسی وضعیت نقدینگی کشور در دهه اخیر

## یا شور یا بی‌نمک

دلیل این نگرانی هم کاملاً روشن است، چراکه میزان پولی که جذب اقتصاد نمی‌شود، موجبات بروز پدیده تورم را فراهم می‌آورد. همچنین آمارهای مذکور حاکی از رشد فزاینده - معادل ۲۶/۴ درصدی - حجم نقدینگی طی دوره مورد بررسی است. اما علت این پدیده چیست؟

اولین و مهمترین علت این پدیده، انتشار پول یا استقراض از بانک مرکزی است که به عنوان یکی از راه‌های تأمین کسری بودجه دولت - و نه تنها راه آن - مطرح بوده است. متأسفانه با این که راه‌های دیگری همچون استقراض از مردم یا همان انتشار اوراق مشارکت و دریافت مالیات برای تأمین این کسری وجود دارد - که هیچکدام منجر به افزایش حجم پول در اقتصاد نمی‌شوند - با این حال تاکنون همیشه ساده‌ترین و البته بدترین راه یعنی انتشار پول برای تأمین کسری بودجه در ایران انتخاب شده است. اما دلیل دیگر روند صعودی نقدینگی در این دوره، ناشی از همزمانی روند صعودی پایه پولی در کنار روند ملایم، اما صعودی ضریب فزاینده پولی می‌باشد.

### چگونگی رابطه بین رشد نقدینگی و تورم در ایران

در مباحث اقتصادی و اقتصادهای باثبات به رابطه یک‌به‌یک میان تورم و نقدینگی اشاره شده و اقتصاددانان پس از مشاهده روند رو به رشد نقدینگی، انتظار روند صعودی تورم را دارند، اما در ایران، شاهد وضعیت متفاوتی هستیم، به طوری که بعضاً این روند یک‌به‌یک مصداق واقعی پیدا می‌کند، اما در برخی مواقع، قیمت‌ها به مقدار بیشتری رشد می‌یابند و گاهی - خصوصاً از سال

نرخ رشد حجم پول زمانی مطلوب خواهد بود که متناسب با رشد اقتصادی و همراه با ثبات قیمت‌ها باشد.

با نگاهی به آمارهای بانک مرکزی در می‌یابیم که طی سال‌های ۷۶ تا ۸۷ متوسط رشد اقتصادی در حدود ۴/۴ درصد بوده است، در حالی که حجم پول به طور متوسط ۲۱/۹ درصد رشد داشته و این رقم بدین معنا است که رشد حجم پول معادل ۴/۹ برابر رشد اقتصادی است و همین موضوع، عدم تناسب حجم پول و رشد اقتصادی را می‌رساند که موجبات نگرانی کارشناسان اقتصادی را فراهم نموده است.

### رشد متغیرهای پولی و کلان کشور

سال	تورم	رشد نقدینگی	رشد حجم پول	رشد شبه پول	رشد پایه پولی	رشد اقتصادی
۱۳۷۶	۱۴/۸	۱۵/۲	۱۲/۵	۱۷/۷	۱۰/۹	۲/۸
۱۳۷۷	۱۸/۱	۱۹/۴	۱۸/۱	۲۰/۶	۱۸/۰	۲/۹
۱۳۷۸	۲۰/۰	۲۰/۱	۱۶/۰	۲۳/۷	۱۵/۹	۱/۶
۱۳۷۹	۱۲/۸	۲۹/۳	۳۱/۹	۲۷/۱	۱۷/۵	۵/۰
۱۳۸۰	۱۱/۳	۲۸/۸	۲۴/۹	۳۲/۲	۱۵/۱	۳/۳
۱۳۸۱	۱۵/۷	۳۰/۱	۲۷/۸	۳۱/۹	۲۳/۱	۷/۶
۱۳۸۲	۱۵/۶	۲۶/۱	۱۹/۰	۳۱/۷	۷/۶	۶/۸
۱۳۸۳	۱۵/۲	۳۰/۲	۱۶/۳	۴۰/۰	۱۷/۵	۴/۸
۱۳۸۴	۱۰/۴	۳۴/۳	۲۵/۸	۳۹/۳	۴۵/۹	۵/۷
۱۳۸۵	۱۱/۹	۳۹/۴	۳۰/۴	۴۴/۲	۲۶/۹	۶/۲
۱۳۸۶	۱۸/۴	۲۷/۷	۲۹/۲	۲۷/۰	۳۰/۶	۶/۹
۱۳۸۷	۲۵/۴	۳/۹	-۱۲/۲	۱۱/۸	۱۹/۶	۴/۹*

\* یادداشت: آمار مربوط به پیش‌بینی هیأت چشم‌انداز ماهنامه «اقتصاد ایران»

استخراج: واحد تحقیقات «اقتصاد ایران» از بانک مرکزی

راهکارهایی برای رشد خدمات شهری

## به سوی توسعه

### گزارش اقتصاد ایران از دومین همایش مالی شهرداری

در دنیای جهانی شده معاصر، کلان‌شهرها مباحثی بسیار بااهمیت هستند. به همین دلیل امروز وظایف مدیریت شهری تنها محدود به توسعه زیرساخت‌های شهری و ارائه خدمات شهری نمی‌شود؛ بلکه برداشتن موانع رشد اقتصادی شهر و شناخت فرصت‌ها و مزیت‌های اقتصادی شهر و دستیابی به چشم‌اندازی روشن و مورد توافق درباره آینده اقتصادی آن، موضوعی بسیار بااهمیت است.

شهرهایی در عرصه جدید می‌توانند موفق باشند که مزیت‌های رقابتی خود را بشناسند، تغییرات اقتصادی شهر را ارزیابی کنند و انعطاف لازم برای پاسخ‌دهی سریع به تغییرات اقتصادی را داشته باشند.

با توجه به ضرورت بررسی و تحلیل ابعاد اقتصادی توسعه شهرها و کلان‌شهرها و شناسایی مشکلات مالی شهر و توجه به یافته‌ها و دستاوردهای ارزشمند علوم و فنون مختلف در حوزه اقتصاد شهر و مالی شهرداری، اولین همایش مالی شهرداری، مشکلات و راهکارها در خرداد ۸۷ برگزار شد و نتایج به دست آمده از این همایش علمی - تخصصی، انگیزشی شد برای برگزاری دومین همایش فوق در سال ۸۸ که به طور حتم برگزاری چنین همایش‌هایی گامی هرچند اندک در راستای تبادل تجربیات و دستاوردهای جدید علمی و تجربی و مدیریتی بین شهرداری‌ها و همچنین یافتن راهکاری برای پایداری در منابع درآمدی و بهره‌وری و هدمندی هزینه‌های شهرداری و جلب نظر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کلان اقتصادی کشور به حساب می‌آید.

همایش مذکور در چند بخش متفاوت از جمله اقتصاد شهری، تمرکز دایمی در مناسبات مالی، مدیریت مالی، نظام اخذ بهای خدمات شهری، عوارض و مالیات‌های محلی، عدم تشخیص و وصول مالیات‌های محلی و در نهایت دسترسی شهرداری‌ها به بازارهای مالی (تأمین مالی شهرداری) برگزار شد.



واردات - خصوصاً در بلندمدت - نمی‌تواند صادق باشد. از این زاویه، باید توجه داشت که کاهش نرخ رشد نقدینگی تا حد مشخصی - که به رکود اقتصادی دامن نزند و به فعالیت واحدهای تولیدی در بخش‌های مختلف آسیب نرساند - می‌تواند قابل قبول باشد، در غیر این صورت، کاهش نرخ رشد نقدینگی، خود عاملی در جهت عمیق‌تر شدن رکود اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری خواهد بود. البته آمارهای ماه به ماه نشان می‌دهند که تورم در حال کاهش است و (بر اساس گزارش اخیر بانک مرکزی) به ۱۴ درصد آفت داشته است.

نقدینگی تأثیرات بالقوه‌ای بر برخی از بازارها نظیر مسکن، سرمایه و کالا و خدمات بر جای می‌گذارد که پس از مدتی می‌تواند به اثرات بالفعل تبدیل شده و سبب به وجود آمدن مشکلاتی در بازارهای مذکور شود. متوسط رشد نقدینگی در برنامه چهارم توسعه معادل ۲۰ درصد تعیین شده است، در حالی که متوسط این رقم برای سال‌های ۷۶ تا ۸۷ معادل ۲۶/۴ درصد می‌باشد. علاوه بر لزوم رسیدن به رشد نقدینگی هدف، به دلیل تأثیری که این متغیر بر روی متغیرهای اقتصادی به ویژه تورم دارد، کنترل آن یکی از اهداف مهم دولت و بانک مرکزی بوده و در قانون پولی و بانکی کشور هم بدان اشاره شده است.

اولین و مؤثرترین راهی که برای رهایی از این معضل وجود دارد تغییر شیوه دولت در تأمین کسری بودجه است. اگر دولت به جای استقراض از بانک مرکزی از سایر روش‌های تأمین کسری بودجه - که بدان اشاره شد - استفاده نماید، به طور حتم سیل وجوهی که به این دلیل به اقتصاد سرازیر می‌شوند مسدود خواهد شد. سایر روش‌ها مانند سپرده ویژه، تغییر در نرخ سپرده قانونی و انتشار اوراق مشارکت که از ابزارهای در اختیار بانک مرکزی است، تنها در صورتی می‌توانند مؤثر واقع شوند که بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های استقلال لازم را داشته باشد و تابع شرایط مربوط به دولت‌های مختلف و تصمیم‌گیری‌های آنان نباشد. ■

۷۹ به بعد - با وضعیت معکوسی مواجه بوده‌ایم و برای داشتن تناسب بین رشد نقدینگی و قیمت‌ها باید تورم بیشتری می‌داشتیم که این هم دلیل دیگری بر مدعای بی‌ثباتی اقتصاد ایران است.

در سال‌های ۷۹ تا ۸۶ به طور متوسط به ازای هر یک درصد افزایش حجم نقدینگی، شاهد رشد ۰/۴۵ درصدی تورم بوده‌ایم. به نظر کارشناسان شکاف مربوط به تغییرات نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی، حکایت از گسترش فعالیت‌های سوداگرانه‌ای دارد که انعکاس مشخصی در نظام آمار و اطلاعات ما ندارند و بنابراین نمی‌توان تحلیلی مناسب از آنها داشت. اما غیر از این عوامل پنهان، شاید بتوان دو علت مرئی را در خصوص این پدیده ذکر کرد: اول رشد واردات است که به همان نسبت منجر به رشد محدودتر قیمت‌ها در مقابل حجم نقدینگی شده و دوم همراهی رشد واردات با رشد تولیدات داخلی (رشد اقتصادی) است که به کاهش نرخ تورم منجر شده است.

نکته جالب دیگر، آمار مربوط به سه ماهه نخست سال ۸۷ می‌باشد، چراکه کاهش شگفت‌آور و دور از انتظار رشد حجم نقدینگی در ابتدای این سال نکته‌ای است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. به نظر کارشناسان، اعمال سیاست سه قفله کردن سپرده‌های بانکی موجب بروز این کاهش دور از انتظار شده است. آنچه مشخص است، این است که نمی‌توان در مورد اجرای موفقیت‌آمیز یک سیاست به نتایج سه ماهه نخست یک سال پس از اجرای آن نگاه کرد و باید روند نتایج بلندمدت آن را - البته در صورتی که سیاست دیگری جایگزین آن نشود که متأسفانه در تمامی دوره‌ها شاهد این عدم ثبات در سیاست‌گذاری بوده‌ایم - دنبال نماییم.

### روند تغییرات سه متغیر بیکاری، تورم و نقدینگی

با توجه به روند حرکتی بیکاری، تورم و نقدینگی باید گفت در ایران، بین تورم و بیکاری در کوتاه‌مدت، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. اما در ۲ سال اخیر کاهش نقدینگی منجر به کاهش تورم نشده است و متأسفانه تورم همچنان با رشدی فزاینده از رقم ۱۸/۴ درصد در سال ۸۶ به ۲۵/۴ درصد در سه ماهه نخست سال ۸۷ رسیده است که این روند صعودی، روند نزولی نرخ بیکاری را به دنبال داشته است. دلیل این امر احتمالاً مربوط به دیگر عوامل مؤثر بر شاخص قیمت‌ها و تورم - همانند تأخیر زمانی و فشار تقاضا - بوده است. ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که کاهش رشد نقدینگی، عملاً با یک تأخیر چند ماهه به کاهش نرخ رشد تورم - به همان نسبت - منجر شده است. البته بحث